



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

انعکاس حقوق کودک در قرآن، روایات و کنوانسیون جهانی حقوق کودک

رحیم حاجی آفازاده فیروزی^۱، دلبر حسینی^۲

۱- کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

۲- سطح دو حوزه علمیه

rahimhajiaghazade@gmail.com

چکیده

حقوق انسان از جمله کودک مدتهاست مورد توجه است و توجه به کودک و عالم کودکی او چنان فزونی یافته که برخی از مربیان بزرگ پیشگویی کرده اند که این قرن «قرن کودک» خواهد بود. دین اسلام با بیان حقوق کودکان و شیوه های تربیتی آنان، رهنمودهایی ارائه نموده که می تواند منشور حقوقی جهانیان باشد. اولین رهنمودهای دین مقدس اسلام به دوران جنینی کودک برمی گردد زیرا سرنوشت هر انسانی به شرایط محیطی و تربیتی والدین بستگی دارد لذا دقت در انتخاب همسر از دستورات مهمی است که اسلام بر آن تاکید ورزیده است. خواندن اذان و اقامه در گوش کودک، نام نیکو، وضع تغذیه و بهداشت و تربیت دینی از جمله حقوقی هستند که دین مبین اسلام برای نوزاد پس از تولدش در نظر گرفته است. در جنبه بهداشت روانی و روحی کودک حفظ محیط زندگی او از مشاجرت، اختلافات خانوادگی، عوامل اضطراب آور و ترس بار، ایجاد امنیت روانی و شخصیتی فراهم آوردن زمینه تفریح سالم و غیره از مسائل عمده ای است که در علم روان شناسی و تربیتی امروز و نیز قرآن و احادیث بدان اشاره شده و شیوه های صحیح اعمال آن بیان گردیده است. در عرصه بین المللی هم، حقوق کودک انعکاس یافته به طوری که سال ۱۹۷۹ از سوی سازمان ملل به عنوان سال کودک نامگذاری شده بود. این اقدام موجب شد که کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ به تصویب بیشتر کشورهای جهان برسد که کشور ما هم در سال ۱۳۷۲ به آن ملحق شد. قرآن کریم که جامع ترین قوانین جهان است؛ کودک را به خاطر کرامتش برتر می شمارد ولی در اندیشه ی مصوبان کنوانسیون جهانی، کودک برای اینکه بی دفاع است مورد حمایت قرار می گیرد. کار کردن کودکان در حد اشتغال تابع قانون کار بوده و پیرو ضوابط و مصوبات مربوط می باشد. دین مقدس اسلام حتی تبعیض جنسی یعنی تفاوت گذاردن بین دختر و پسر به لحاظ جنسیت را مردود شمرده و آن را تقبیح می کند.

کلمات کلیدی: حقوق کودک، کودک در اسلام، قانون مدنی، کنوانسیون حقوق کودک



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱. مقدمه

بی تردید خلقت همه موجودات جهان آفرینش، بر مبنای تغییر و تحول نهاده شده است (الرحمن ۵۵/ طارق/ ۶-۱۰، زمرا/ ۶، مؤمنون/ ۱۱-۱۶). انسان نیز در تمام دوران زندگی خود، دستخوش تغییرات مداوم است.

نطفه، جنین، نوزاد، کودک، نوجوان، جوان، بزرگسال و پیر که هر یک از این مراحل متأثر از مرحله قبل و مؤثر در مرحله بعد است؛ در کلام الهی بر این مطلب اشاره شده است (سوره فاطر/ ۱۱، روم/ ۵۶). انسان بیشتر عادات زندگی خود را در دوران کودکی کسب می کند و تقریباً در این مرحله که کیفیت سازگاری با محیط را فرا می گیرد تا آنجا که تمام مکاتب روان شناسی در این باره توافق دارند که دوران شیر خوارگی و کودکی، در تعیین و شکل دادن رفتار و رشد، منش آینده دارای اهمیت فوق العاده ای است. توجه به کودک و عالم کودکی، آن چنان در قرن معاصر فزونی یافته است که برخی از مریدان بزرگ پیشگویی کرده اند که این قرن «قرن کودک» خواهد بود. نیمه دوم قرن بیستم را می توان «عصر کودکان» نامید تقریباً در سراسر جهان به ویژه در کشورهایی که به توسعه اجتماعی و اقتصادی مطلوبی دست یافته اند، بخش مهمی از منابع مادی و معنوی، صرف توجه به مسائل کودکان و حمایت روانی، جسمی آنها می شود.

علم روان شناسی ثابت کرده است که نوزاد به محض تولد و حتی پیش از آن شدیداً تحت تأثیر محیط پرورشی خود قرار می گیرد و از خلال فرایند جامعه پذیری نه تنها ارزش های رایج را فراگرفته و به گونه ای با آنها انطباق می یابد بلکه شدیداً از هر گونه اختلال و نارسایی محیطی که چه بسا در بزرگسالان نفوذ چندانی ندارد متأثر می شود، در همان حال، کودک به دلیل ناتوانی جسمی و نیاز به پشتیبانی روانی، در موقعیتی نیست که بتواند مزایایی را که جامعه برای او در نظر گرفته است بشناسد. از آن جا که فرزندان، در دوران زندگی خود مراحل مختلفی را طی می کند و در هر مرحله نیازهای متفاوت و ویژه ای دارند، با آشنایی این مراحل و برخورداری از مهارت های لازم می توان حقوق واقعی فرزندان را تضمین نمود.

از آنجا که اسلام دین چند بعدی و همه جانبه است و حقوق متقابل در آن رعایت شده است؛ تا چه اندازه حقوق کودک را در خود جای داده است. به عبارت دیگر همان گونه که والدین دارای حقوقی بر فرزندان هستند فرزندان نیز حقوقی بر گردن والدین دارند؟

قرآن، جامع ترین منبع هدایتی بشریت درباره حقوق کودک حرف های بسیاری دارد (احمد بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۴۲) و نظام حقوقی منحصر به فردی را تعریف می کند. در دیگر مکتبها و اندیشه ها نیز توجه به مسایل کودک، خصوصاً حقوق او، وجود دارد، اما این سؤال مطرح است که در میان غوغای اندیشه ها و مکتبها کدام نظام حقوقی، جامع تر و برتر است و کدام یک علاوه بر تئوری پردازی های عالی به ارایه راهکار و روش و آسیب شناسی در حوزه عمل دست زده است و به طور کلی، در جامعه کنونی باید به کدام مکتب عمل کرد و نظام حقوقی آن را پذیرفت؟

دین مقدس اسلام در هزار و چهار صد سال پیش با بیان حقوق کودکان و شیوه های تربیتی آنان، گام اساسی برداشته و رهنمودهایی ارایه نموده که می تواند منشور حقوق جهانیان باشد. در این راستا قوانین بشری تا چه اندازه همپای قوانین الهی حرکت می کنند؟



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اولین رهنمودهای دین مقدس اسلام به دوران جنینی کودک بر می گردد زیرا سرنوشت هر انسانی به سالهای قبل از تولد او و شرایط محیطی و تربیتی والدین بستگی دارد. تا چه میزان بین قرآن و قوانین مادی سازگاری وجود دارد؟ بعد از ولادت کودک حقوقی نیز به او تعلق می گیرد که دستورات دینی در این مورد چنین است:

- خواندن اذان و اقامه در گوش کودک.
 - نامگذاری به نام های نیکو و زیبا.
 - تغذیه و بهداشت. که بهترین غذا را برای کودک که حق طبیعی و شرعی اوست شیر مادر معرفی می کند.
- به این ترتیب اسلام برای تک تک مراحل زندگی کودک حقوق خاص خودش را معرفی کرده و خواهان رعایت آنها از جانب پدر و مادر می باشد. حقوق کودکان تا چه اندازه مورد توجه مجامع حقوقی قرار گرفته و چه اقداماتی صورت گرفته است؛ به عبارت دیگر، آیا حقوق ویژه کودک در برنامه ریزی های کشورهای مختلف جهان گنجانده شده است؟

۲. مفهوم کودکی

از نقطه نظر لغوی کلمات کودک، صغیر، بچه، صبی لغات مترادفی هستند که به یک دوره سنی خاص اطلاق می شوند. در زبان فارسی کودک به معنای کوچک و همچنین به فرزنددی که به حد بلوغ شرعی نرسیده اعم از اینکه دختر باشد یا پسر، استعمال شده است (محمد معین، ۱۳۶۰، ص ۳۱۱۷).

در اصطلاح حقوقی کودک یا صغیر به کسی گفته می شود که از نظر سنی به رشد طبیعی و نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (محمد رضا گیلدشتی، ۱۳۵۵، ص ۷).

امروزه مباحث حوزه خانواده و زیر شاخه های آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. اگر چه بحث در این حوزه از دیرباز وجود داشته است، با توجه به تحولات عصری و چالش های فراروی انسان قرن بیست و یکم (احمد بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۱۶۶) این حوزه نیز مورد توجه و کنکاش بیشتری قرار گرفته است و اهمیت بیش از پیش آن، از تلاش های تئوری و عملی برای یافتن راه حل ها و پاسخ به مشکلات فرارو نمودار گشته است.

از جمله مباحث حوزه خانواده، حقوق و وظایف هریک از اعضای خانواده می باشد و به دلیل اینکه کودک ضعیف ترین و شاید مهم ترین عضو خانواده است، حقوق او از مهم ترین حقوق انسانی است؛ زیرا اگر کودکان از مراقبت و حقوق ویژه ای برخوردار نباشند، نمی توانند در سایه این حقوق از صحت و سلامتی روحی و جسمی برخوردار شده، حضوری مفید و کارساز در اجتماع داشته باشند. لذا مباحث حقوق کودک از مسایل ریشه ای و مهم است که در میان انبوه دیگر مسایل علوم انسانی از اهمیت به سزایی برخوردار است. مولود انسان به هنگام تولد ضعیف ترین و وابسته ترین نوزاد جهان هستی است و در این هنگام، از او هیچ توقع و انتظاری در مسئولیت و خودکفایی نیست. (غلامعلی افروز، ۱۳۸۴، ص ۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۳. جایگاه حقوق کودک

تعریف و تبیین مسایل و مشکلات اجتماعی مبتلا به کودکان و حل مشکلات و احقاق حقوق آنان در درجه نخست به مسئله تعریف کودک، دوران کودکی ایده‌آل و ارزش‌های موجود در این حوزه و حقوق و جایگاه کودک در جامعه بستگی دارد. کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد (شیرین عبادی، ۱۳۷۵، ص ۵۱).

در جهان معاصر، احترام به حقوق کودک، اندیشه‌ای اساسی در تربیت آنان و حمایت و مساعدت همه جانبه در رشد فکری و سلامت روحی و روانی آنان به شمار می‌رود (احمد بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۶). بررسی وضعیت نوجوانان یا جوانان بزهکار نشان داده که در اکثر موارد، حقوق آنان در ایام کودکی تزییع شده یا بنا بر شرایطی یکی از شکنجه‌های روحی و روانی را مشاهده کرده‌اند (مجید رشیدپور، ۱۳۷۸، ص ۱۰۵). در عصر حاضر، امور تربیت و اصلاح از سوی مراجع قضایی و سایر نهادهای حمایتی و با عنوان یک حق برای کودکان مورد نظر و اهمیت است.

امروزه مجامع قضایی قبل از اینکه تکلیف به رسیدگی در جرایم کودکان و نوجوانان کجرو اجتماعی و بزهکار داشته باشند، بیش از همه به شخصیت یک کودک و نقش تربیتی آنان توجه دارند. نگاه تحول‌گرایانه قوانین و مقررات در جوامع بین‌المللی و تفسیر موسع آن به نفع احقاق حقوق کودک این نوید را می‌دهد که هدف، همسو شدن افکار جهانی برای جلوگیری از آسیب‌ها و لطماتی است که کودکان را از رسیدن به حقوق واقعی و قانونی آنان باز می‌دارد (محمد رضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ص ۸۸).

کودکان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای نیازهای اساسی هستند که چنانچه در دوران کودکی مورد توجه واقع نشود، چه بسا خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه تحمیل خواهد کرد. در این میان، حقوق کودک نه تنها به عنوان یک تکلیف بر عهده والدین است، بلکه جامعه (قدرت عمومی) نیز باید با توسعه سیستم‌های حمایتی و نظارتی نسبت به احقاق حقوق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه از آن دفاع نماید و برنامه‌ریزی هدفداری را به منظور رسیدن به هدف‌های برتر مورد توجه قرار دهد (حسنعلی بختیار نصرآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۳).

برده‌داری، بهره‌کشی به اشکال مختلف، تجاوز، آسیب‌های روانی و جسمی و محرومیت از آموزش، بخشی از تزییع حقوق کودکان است. با ظهور مکاتب جهانی و پیشرفت روز افزون حقوق فردی و اجتماعی و نیز ارتقای آگاهی‌های عمومی و توسعه دولت‌ها و وظایف ذاتی حکومت به عنوان دفاع از منافع و مصالح عمومی، باید تلاش بیشتری صورت گیرد تا بستر مناسب جهت احقاق حقوق کودک یا جلوگیری از پایمال نمودن آن در جوامع فراهم شود.

۴. اهمیت و ضرورت تربیت فرزند در اسلام

قوانین در یک تقسیم‌بندی کلی، به قوانین الهی و بشری تقسیم می‌شوند. قوانین بشری به دلیل عدم شناخت کامل انسان، از جامعیت لازم برخوردار نیست و نمی‌تواند به همه ابعاد روحی و روانی انسان توجه لازم را داشته باشد؛ به همین سبب، این حقوق غالباً در حال تغییر و تحول می‌باشند؛ لذا تغییر آراء در تعیین حقوق انسانی و التزام و پایبندی به قوانین بشری بسیار تردید آمیز است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

از آنجا که هرگونه برنامه‌ریزی برای انسان مستلزم شناخت جامع از ابعاد و پیچیدگی‌های اوست و این امر جز به مدد وحی میسر نمی‌شود، همه صورت‌بندی‌ها و تدوین‌های فارغ از جهان وحی ناقص و نارساست. خداوند متعال در این باره می‌فرماید «فَمَنْ يَخْلُقْ كَمَنْ لَّا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (نحل / ۱۷)؛ (و آیا کسی که می‌آفریند، هم‌چون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟!). و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَّا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِيَ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» (یونس / ۳۵)؛ (و آیا کسی که به سوی حق راه‌نمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود، یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر آن که راه‌نمایی شود؟! پس شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟!).

بنابراین، ضروری است قانون‌گذاران و مجریان حقوق بشر برای برپایی عدالت و احقاق حقوق انسانی، صرفاً به قوانین الهی که جامع‌ترین آنها در دین مبین اسلام و قرآن آمده است، تمسک جویند. قرآن از ابتدای کودکی انسان، وظایف سنگینی بر عهده پدر و مادر او و در ادامه بر عهده حکومت گذاشته است تا انسانی سالم، مفید و ثمربخش تحویل اجتماع گردد، در حالی که تا قرن بیستم هیچ قانون مدونی در سطح بین‌المللی برای کودکان نوشته نشده است. در مورد حقوق کودک در قرآن تقسیم‌بندی‌های زیادی ارائه شده است و انواع مختلفی مانند حقوق زیستی، عاطفی، تربیتی، اخلاقی، روانی، اجتماعی، معنوی، مالی و... آمده است، اما در یک جمع‌بندی کلی می‌توان آنها را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد: حق حیات، حق شیر خواری، حق نام‌گذاری و نام‌نیکو، حقوق مالی و تأمین آتیه فرزندان از حقوق مادی است. حقوق معنوی نیز شامل سه بخش ذیل می‌باشد:

- حقوق هدایتی (دعا کردن، استغفار و طلب توبه، توجه به دین و خط فکری صحیح)
- حقوق تربیتی (نصیحت و موعظه کردن، مسئولیت‌پذیری، پرورش و آموزش تجربه‌ها)
- حقوق روانی (محبت و احترام، اعتماد و مشورت، نگرانی و دلسوزی)

تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به فعلیت رسیدن قوای او در راه تقرب به خداوند است. این عمل نیازمند آگاهی و تمرین عملی است. اگر پدر و مادر در جهت انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم کرده‌اند و خداوند بر آنان رحمت خواهد نمود. درباره عقیده صحیح و انتقال آن به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده والدین گذاشته شده است، زیرا تاثیر عقایدی که در خانواده رواج دارد و به فرزند القاء می‌شود، در آینده او غیر قابل انکار است (فریبا لباف، ۱۳۸۵، ص ۸-۱۰).

عمل تربیتی در خانواده به منزله پاسداری از فطرت توحیدی فرزند است. این پاسداری یک وظیفه بزرگ تربیتی و اخلاقی است که عمل به آن مهمترین کارکرد خانواده را فعلیت می‌بخشد. امام سجاد علیه السلام فرمودند: «حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و هرگونه که باشد چه نیک و چه بد، در دنیای گذرا به تو منسوب است و تو در آن چه به او سرپرستی داری مسئول هستی در ادب نیکو و راه‌نمایی به سوی پروردگار و یاری او بر طاعت خداوند درباره تو و خودش. پس بر این کار پاداش می‌گیری اگر درست عمل کنی، و کیفر می‌بینی اگر نادرست عمل کنی؛ پس او را چنان تربیت کن که با اثری که بر او می‌گذاری در دنیا زیبایی بیافرینی و با قیام شایسته به وظیفه‌ای که نسبت به او داری در نزد خداوند معذور باشی، که هیچ قوتی نیست مگر از خداوند». به این ترتیب، امام سجاد علیه السلام در تربیت نیکو و آموزش عقیده توحیدی و ایجاد رفتار صحیح در فرزندان خود، از خداوند بزرگ یاری خواسته‌اند؛ همچنین انجام این وظایف را موجب سعادت دنیا و آخرت والدین دانسته‌اند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

امیرالمومنین علیه السلام خطاب به فرزند بزرگوارشان فرمودند: «پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آن که دلت سخت شود و خردت در تصرف هوایی دیگر در آید. در ادامه همین نامه فرمودند: و چون به کار تو همچون پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم، چنان دیدم که این عنایت در هنگام جوانی ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک و نهادهی نیالوده داری؛ و این که نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تاویل آن را به تو تعلیم دهم، و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم»

در این بخش از نامه امام علی علیه السلام به فرزندشان، بر انتقال عقیده صحیح و ادب آموزی و نیز بر پاکی ضمیر انسان در دوره کودکی و جوانی تاکید شده است؛ یعنی همان دورانی که فرزند بیشترین تاثیر را از خانواده می پذیرد. انتقال عقیده حق و ایجاد رفتار سعادت آفرین، عنوان کلی وظایف تربیتی پدر و مادر است، ولی تفصیل عقیده حق را باید در قرآن و سنت جستجو کرد و رفتار صحیح را نیز از قرآن و سنت آموخت. پدر و مادر مسئول تحقق این امور در فرزند هستند. بنابراین باید در جستجوی بهترین روش برای تحقق آنها باشند و مسئولیت آنها تنها با گفتن و اطلاع رساندن خاتمه نمی یابد، بلکه باید روش های مناسب برای مومن و متقی شدن فرزندشان را بیابند.

امام صادق علیه السلام در روایتی وظایفی را برای والدین ذکر فرموده اند: حق فرزند بر پدر آن است که مادر او را خوب انتخاب کند، نام نکو نهد و نیکش پرورد.

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده اند: «خداوند کسی را که به خیر فرزندش یاری می دهد بیامرزد. پرسیدند چگونه می توان به خیر فرزند یاری رساند فرمودند: آن چه در توان اوست پذیرا شود و از آن چه فوق توان اوست درگذرد و او را به نافرمانی نخواند و سرگشته و حیرانش نسازد». در این روایت یک اصل مهم تربیتی بیان شده است: توانایی ها و استعداد های مرتبی باید در جریان تربیت مورد توجه باشد. والدین در مسیر تربیت فکری و عملی فرزند خود نباید از این اصل غفلت کنند. غفلت از این اصل خیر فرزند را محقق نمی کند و او را به نافرمانی و سرگشتگی مبتلا می سازد. از این روایت اهمیت مراحل رشد را نیز میتوان دریافت؛ زیرا بدون توجه به قابلیت های فرزند در دوره های مختلف زندگی، تربیت صحیح ممکن نمی شود. خوشبختانه در روایات اهمیت توجه به مراحل رشد ذکر شده است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «فرزندت را بگو تا هفت سالگی بازی کند و هفت سال او را ادب آموز و در هفت سال سوم او را ملازم و همراه خود دار». گویی هفت سال نخست، سال هایی است که کودک به طور غیر مستقیم و فقط از طریق مشاهده رفتار پدر و مادر می آموزد و در هفت سال دوم به آموزش مستقیم عقیدتی می پردازد و هفت سال سوم، سال های ورود به میدان یادگیری حلال و حرام شریعت در مقام عمل است. از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «فرزند پسر هفت سال بازی می کند و هفت سال قرآن می آموزد و هفت سال حلال و حرام را یاد می گیرد».

آموزش قرآن به معنای آموزش همه عقایدی است که دلالت فرزند به سوی خدا را محقق می کند و پرورش نیکو به معنای ادب آموزی و ایجاد رفتار صحیح سعادت بخش است. محیط خانواده اولین محیط اجتماعی است که فرزند تجربه می کند. او از اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر بیشترین تاثیر را می پذیرد، زیرا حمایت پدر و مادر خود را تجربه کرده است و همواره دیده است که ضعف های جسمی او را پدر و مادر جبران میکنند و تغذیه و پرورش او را از روی مهر و شفقت انجام می دهند. این تجربه ها



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

موجب اطمینان او نسبت به آنها میشود و این اطمینان باعث پذیرندگی فرزند از پدر و مادر می گردد. اگر پدر و مادر در این زمان عقاید صحیح را به او بیاموزند، قلب نیالوده او آن را می پذیرد و عادات لازم و متناسب با عقاید صحیح را می یابد (مجید رشیدپور، ۱۳۷۸، ص ۸۷).

۵. معنویت فرزندان ما، در محیط های غیراسلامی

تعلیم و تربیت فرزندان، یکی از اصلی ترین وظایف والدین است، اما متأسفانه در جامعه ما با توجه به این که نهادهایی هم چون آموزش و پرورش و رسانه های جمعی قابل اعتماد تلقی می شوند، برخی از پدران و مادران این مسئولیت سنگین خود را فراموش کرده اند. به عبارت دیگر، نه فرصتی برای تربیت فرزندان وجود دارد، نه علم آن؛ و نه اهمیتی که والدین را وادارد تا بیشتر از غذای شب و لباس فرزندانشان، به فکر تربیت فکری و معنوی فرزندانشان باشند. کودکان در کنار دوستان، در کوچه ها، در مقابل تلویزیون ها و رایانه ها بدون داشتن معلمی معنوی به بلوغ می رسند و والدین در تعجب اند که چرا رفتار کودکانشان این قدر متفاوت با آنهاست؛ آنان هنوز مشکل را دریافته اند. این مشکل به دلیل فراموشی اصلی ترین وظیفه پدری یا مادری - یعنی تربیت معنوی فرزندان است. تقویت و تکامل شخصیت فرزندان و کنترل و تنزیه آنها از هرگونه عیب و نقص ممکن، سنگین ترین مسئولیتی است که بر دوش والدین است.

نیک می دانیم که تمامی انسان ها با سرشت و فطرتی پاک متولد می شوند، که زندگی اسلام می بر آن استوار است. بعدها به واسطه والدین است که کسی مسیحی، یهودی یا زرتشتی می شود. تعلیم و تربیت اسلام می به مسئولیت سنگین پدر تاکید کرده است و عمیقاً این موضوع را مورد توجه قرار داده، به نحوی که طبق نظر آیین اسلام می اگر پدر خانواده در پرورش فرزندان مراقبت کمتری داشته و سهل انگاری کند، گناهکار خواهد بود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: این گناه کافی است که گناهکار افراد مورد علقه اش را از دست بدهد. براساس روایتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند از هر چوپانی راجع به گله اش سوال خواهد کرد که آیا از آنها به خوبی مراقبت کرده یا این که آنها را به حال خود رها کرده است. خداوند از پدرها هم در ارتباط با اهل خانواده اش پرسش خواهد کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزندان را گرمی بدارید و برای تعالی ایشان در تربیتشان جد و جهد کنید. اینها نمونه هایی هستند که نشان می دهند شریعت و قانون الهی به تعلیم و تربیت کودکان اهمیت بیشتری می دهد. قانون اسلام به پدرها حکم می کند که به معنویات فرزندانشان اهمیت بیشتری بدهند و در تهیه لوازم زندگی آنها بکوشند، تا فرزندانشان رشد متعادلی داشته باشند. پدر باید فرزندانش را با کتاب خدا و روش زندگی پیامبر بزرگوار تعلیم دهد، تا این که باغ فطرت آنها گل دهد و به بار بنشیند و سایه بگستراند. والدین با غفلت از کودکانشان بهانه می آورند که جامعه باعث بد آمدن آنها شده است.

ما در قرآن مجید، امثال و حکم، تعلیمات و بالا خره چراغی داریم که روشنایی می دهد. خداوند بزرگ در کتاب آسمانی خود فرموده است: (ای مومنان خود و خانواده تان را از آتشی حفظ کنید که هیزم های آن مردم و سنگ ها هستند) (سوره ۶۶، آیه ۷) یعنی به آنها یاد دهید چه چیز می تواند آنها را از این آتش در امان نگه دارد. شیخ ابوحامد غزالی این آیه را چنین تفسیر کرده است: قطع نظر از این که چگونه مراقبت پدر، فرزندانش را از آتش این دنیا حفظ می کند، مراقبت او در خصوص رهایی از



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

آتش دنیای آخرت باید در اولویت قرار گیرد. این مراقبت باید در تربیت و تعلیم فرزندان به بهترین روش صورت پذیرد و هم چنین در دور نگهداشتن آنها از دوستان بد بیشتر باشد. کودکان مسلمانی که در کشورهای غیراسلامی زندگی می کنند، نیاز بیشتری به محیط آموزشی فرهنگی دارند، محیطی که مبانی فهم، درک و تعلیم مذهب را بیشتر از کشورهای مسلمان برای کودکان فراهم آورد و شدیداً پایبند آن باشد. محیط سالم، محیطی است که زندگی روزمره کودک را با تعلیمات درستی از اسلا م در بر می گیرد؛ این محیط ایده آل، متفاوت از محیط فعلی است که جامعه این کشورها به وجود آورده است، جامعه ای که نه تنها اساساً به کودک کمکی نمی کند، بلکه کودک به خاطر چیزهایی که در مدارس و هم چنین از طریق وسایل ارتباط جمعی ناسالم یاد می گیرد، اثرات منفی و مخربی دریافت می دارد. در خصوص این موضوع آنچه تعجب آور است، غفلت تعدادی از خانواده های مسلمان از فرزندانشان است، آنها فرزندان خود را به جریان های آلوده کفر می سپارند تا آنها را به گونه ای که خوشایندشان است تربیت کنند و وقتی کودکان بزرگ شدند، ارتباط برقرار کردن با آنها، نصیحت کردن آنها و هدایت آنها به سوی اخلاقیات دینشان، فوق العاده مشکل می شود و آنچه تعجب آور است این است که والدین با نادیده گرفتن، غفلت و بی توجهی نسبت به رفتار فرزندانشان در زمان کودکی بهانه می آورند، که جامعه باعث شر بار آمدن فرزندانشان شده است. بنابراین خانواده در کنترل عواملی که بر رفتار کودکان تاثر منفی می گذارد، مسئولیت بسیار سنگینی دارد.

خانواده هم چنین وظیفه دارد که کودک را به سویی راهنمایی کند که درک و فهم او را از مذهبش تضمین کند. به همین نحو باید با مشکلات زیادی که معلول این عوامل هستند، دست و پنجه نرم کند. مهمترین راه پیشگیری از رفتار بد و ناشایست، این است که در ضمن برآوردن نیازهای عاطفی عقلا نی و جسمانی او، از کودک در خانه مراقبت کنیم. رضای این نیازها به کودک کمک می کند با دیگران رفتار خوبی داشته باشد و او را از برخی وسایل ارتباط جمعی دور نگاه داشته و از تاثیرات منفی آن حفظ نماید.

۶. تاریخچه حقوق کودک در عرصه بین الملل

به لحاظ تاریخی، تحولات اقتصادی و اجتماعی قرون نوزدهم و بیستم و وقوع انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و شکل گیری نظام سرمایه داری و رشد فرآیند صنعتی شدن و شهرنشینی، تغییرات اساسی درباره کودک، جایگاه و تکالیف او در جامعه به وجود آورد.

ورود زنان و کودکان به بازار کار بنا به ضرورت اولیه صنعتی شدن و سرمایه داری و تغییرات اساسی در ساختار و کارکردها و مناسبات خانوادگی، فرآیند استثمار زنان و کودکان را شدت بخشید. از طرف دیگر، ابعاد منفی تحولات اجتماعی در نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و استعمار و پیدایش جنگ های جهانی اول و دوم، آوارگی و مهاجرت های گسترده و گسترش ابعاد جهانی فقر، بهره کشی و نابرابری را به همراه داشت که بر وخامت اوضاع کودکان، به ویژه در جوامع در حال توسعه، افزود. با رشد سریع جمعیت، فرآیند زنازه و کودکانه شدن فقر، محرومیت ها و آسیب های اجتماعی، ضرورت توجه جدی به کودکان از طریق تلاش های بین المللی و بشردوستانه مطرح شد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نخستین اعلامیه حقوق کودک در واکنش به پیامدهای ناشی از جنگ جهانی اول و آسیب‌های ناشی از آن بر کودکان در سال ۱۹۲۴ در ژنو تنظیم شد. پس از تأسیس صندوق بین‌المللی کودکان (یونیسف) در سال ۱۹۴۶ و در ادامه تلاش‌های بین‌المللی، دومین اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید (حسن اسعدی، ۱۳۸۷، ۴۰۸). با نام‌گذاری سال ۱۹۷۹ به عنوان «سال جهانی کودک» توسط سازمان ملل، یک جنبش بین‌المللی پیرامون موضوعات کودکان به وجود آمد و به تغییر دیدگاه‌های موجود در مسایل کودکان منجر شد. این اقدام، آگاهی عموم نسبت به گستردگی تهدیداتی که در مقیاس جهانی رفاه و سعادت کودکان را در معرض تهدید قرار می‌داد، به وجود آورد. تصور گذشته را مبنی بر اینکه محرومیت‌های مادی تنها مشکل اساسی کودکان است، مورد تردید جدی قرار داد و این ایده را مطرح ساخت که خشونت‌های اجتماعی علیه کودکان تهدیدهای جدی‌تری هستند.

این اقدامات و توجه به ضرورت دخالت دولت‌ها در حمایت و پشتیبانی از کودکان موجب شد که در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون جهانی حقوق کودک در سازمان ملل تدوین شود که امروزه اکثر کشورهای جهان آن را پذیرفته‌اند. قریب ۸۰ سند و کنوانسیون و مدارک بین‌المللی دیگر نیز به نوعی و با روش‌های مختلف، به مباحث مرتبط به حقوق کودک توجه و ارتباط دارد. ولی کنوانسیون حقوق کودک به لحاظ اینکه همه ابعاد کودک را مورد بررسی و یا جوانب مختلف حقوق کودک را در بر می‌گیرد، بیش از همه ضمانت اجرا برای کنترل رعایت مفاد آن وجود دارد. (همان، ص ۴۳۱)

۷. حقوق کودک در عرصه بین الملل

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در اجلاس بیستم نوامبر ۱۹۵۹ اعلامیه جهانی حقوق کودک را در یک مقدمه و ده ماده به تصویب رساند، در قسمتی از مقدمه این اعلامیه چنین آمده است: «این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودک توأم با خوشبختی بوده و کودک از حقوق و آزادی‌هایی که در پی خواهد آمد، به خاطر خود و جامعه‌اش بهره‌مند شود، رسماً به آگاهی عموم می‌رساند...» (شیرین عبادی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷) و در پی آن پس از گذشت سی سال (سال ۱۹۸۹) به منظور تکمیل و در نظر گرفتن حقوق و امتیازات بیشتر برای کودکان، این مجمع، «کنوانسیون حقوق کودک» را تصویب کرد (همان، ص ۱۸۳). در دیباچه این کنوانسیون به اهداف، تاریخچه و علل تصویب آن چنین اشاره شده است: «با اعلام پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی سازمان ملل متحد و تضمین بهره‌مندی تک‌تک افراد بشر از حقوق مندرج در آن به دور از وابستگی‌های نژادی، جنسی، مذهبی، فرهنگی، سیاسی، مالی، قومی و یا هرگونه تبعیض دیگری و با توجه به اینکه سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رعایت حقوق ویژه کودکان و حمایت آنها تأکید کرده است؛ و به دنبال آنچه در اسناد حقوق کودک ذکر شده است مبنی بر اینکه: کودک به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد؛ و بر اساس مصوبات و قراردادهای مربوط به حمایت کودکان، و بر پایه این واقعیت که در بسیاری از کشورهای دنیا، کودکان در موقعیت بد و نابسامانی زندگی می‌کنند و نیاز به توجه فوری و ویژه دارند؛ و با درک اهمیت و ارزش همکاری‌های بین‌المللی برای بهبود شرایط زندگی کودکان در همه دنیا و به ویژه در کشورهای در حال رشد، پیمان نامه‌ای برای حفظ و رعایت حقوق



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کودکان جهان به تصویب می‌رسد» (شیرین عبادی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۰؛ محمدرضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸؛ جهانگیر منصور، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵).

این کنوانسیون شامل مقدمه و سه بخش و پنجاه و چهار ماده می‌باشد. بخش اول که چهل و دو می‌باشد، به مواردی از قبیل ذیل اشاره نموده است: تعریف کودک، بهره‌مندی یکسان تمامی کودکان از حقوق مطروحه در کنوانسیون، حمایت از کودک بی خانواده، فرزند خواندگی، کودکان آواره و کودکان ناقص العضو.

همچنین حقوقی که باید از طرف دولت‌های عضو برای کودکان به رسمیت شناخته شود، مانند حق بقاء و پیشرفت، حق نام و ملیت، حق آزادی ابراز عقیده و به کارگیری آن در هر موردی که به زندگیش مربوط می‌شود، حق آزادی بیان، حق آزادی مذهب، حق تشکیل اجتماعات، حق عدم دخالت در امور خصوصی، خانوادگی و مکاتبات، حق دسترسی به اطلاعات از منابع مختلف، حق برخورداری از بالاترین سطح بهداشت، حق برخورداری از آموزش و پرورش، حق عدم مجازات اعدام و حبس ابد در مورد کودکان زیر هیجده سال، حق تفریح و بازی و... تصریح شده است.

بخش دوم و سوم ناظر به شکل اجرای کنوانسیون می‌باشد. مواد ۴۶ و ۴۷ نحوه الحاق به کنوانسیون را مورد تبیین قرار داده است (شیرین عبادی، ۱۳۷۵، ۱۸۹-۲۱۸؛ محمدرضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ۲۰۸-۲۴۲؛ جهانگیر منصور، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵-۱۹۹).

در سال ۱۳۷۲، دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون ملحق گردید مشروط بر این که: «مفاد کنوانسیون در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد و یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی لازم‌الرعايه نباشد» (شیرین عبادی، ۱۳۷۵، ص ۱۸۷؛ محمدرضا ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۱، ص ۸۵-۸۳؛ محمدرضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ص ۲۰۷؛ حسن اسعدی، ۱۳۸۷، ص ۴۰۹؛ جهانگیر منصور، ۱۳۸۲، ص ۱۶۵).

۸. مقایسه تطبیقی بین قرآن و کنوانسیون حقوق کودک

با بررسی و تحلیل قرآن و کنوانسیون حقوق کودک به راحتی می‌توان تفاوت‌هایی اساسی آن دو را ملاحظه کرد. این تفاوت‌ها و اختلافات در چند دسته قرار می‌گیرند:

یک. اختلافات مبنایی

۱. زیر بنای بحث‌های قرآن در مورد انسان و از جمله کودک، کرامت انسان است. در آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً» (اسراء/ ۷۰) به این امر تأکید شده است؛ برای نمونه، وقتی پیرامون فرزند خواندگی بحث می‌کند، چنین می‌گوید؛ باید آنان را به نام پدران خودشان بخوانید و اگر نام پدران ایشان را ندانستید، آنان را برادران دینی بدانید. بر اساس این آیه هم احترام و حق پدران ایشان حفظ شده است و هم کرامت فرزند خوانده رعایت گردیده است. «ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» (احزاب/ ۵)؛ (آن پسر خوانده)ها را به [نام] پدرانشان بخوانید که آن (کار) نزد خدا دادگرانه‌تر است؛ و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، پس برادران دینی شما و آزادشدگان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هستند؛ و در مورد آنچه در آن (صدا زدن‌ها) خطا کرده‌اید، هیچ گناهی بر شما نیست، ولیکن در مورد آنچه دل‌هایتان به عمد (قصد) می‌کند (مسئولید)؛ و خدا بسیار آمرزنده مهربور است.

اما با نگاهی به کنوانسیون می‌شود فهمید که اندیشه مصوبان آن این است که آنان کودک را تنها به این دلیل که صغیر و بی دفاع است و موجودی قابل ترحم می‌باشد، مورد ترحم قرار داده‌اند و به حقوق او پرداخته‌اند؛ برای مثال، در مقدمه کنوانسیون چنین آمده است: «کودک به خاطر عدم بلوغ جسمی و روانی خود، نیازمند حمایت ویژه حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد» (محمدرضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ص ۲۰۸)، در حالی که قرآن کودک را نیز انسانی دارای کرامت می‌دارد و نه فقط از جهت ترحم و به دلیل ظلم‌های بی‌شماری که به او شده است حقوق او را بررسی می‌کند، بلکه بدین دلیل که کودک نیز انسانی در مرتبه دیگر انسان‌ها قرار دارد و او را انسان آینده می‌بیند، مورد توجه قرار داده است.

نکته جالب توجه دیگر این است که حقوقی که قرآن مطرح می‌کند، در بسیاری از موارد بدون فرض نقض حقوق است؛ بدین معنا که قرآن قبل از اینکه هر گونه نقضی رخ دهد، آنها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های الهی بودن آن است، اما حقوق کودک در کنوانسیون زمانی مطرح شد که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جهان دیده شد. این امر نشان از سبقت و کمال قرآن نسبت به قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک دارد.

۲. وقتی مبنای یک آیین و مکتب، الهی باشد (ذاریات/ ۵۶)، همه مباحث و مسائل آن نیز رنگ الهی می‌پذیرد. «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله حق تقاته ولاتموتن اıla وانتم مسلمون» (آل عمران/ ۱۰۲)؛ «واتقوا الله وعلّمکم الله واللّه بکل شیء علیم» (بقره/ ۲۸۲).

انسان معتقد به خدا، به حقوق و اخلاق پایبندتر است؛ چون اخلاق در او نهادینه شده است. در واقع قرآن انسان مخاطب خود را تکلیف محور و مسئول و پاسخگو می‌داند؛ در نتیجه چنین انسانی تعهد پذیر نیز هست (ابراهیم امینی، ۱۳۸۴، ص ۶۳). آیات مربوط به مسئولیت انسان در چند دسته قرار می‌گیرند:

✓ مسئولیت انسان در مقابل خدا ورسول: «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول و لا تبطلوا أعمالکم» (محمد/ ۳۳).

✓ مسئولیت انسان در مقابل خود و خانواده‌اش: «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم واهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره» (تحریم/ ۶).

✓ مسئولیت در مقابل اجتماع و مومنین: «والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر» (توبه/ ۷۱).

در مقابل، چون مبنای کنوانسیون سکولاریزم و لیبرالیسم است، انسان را مسئول نمی‌داند. در نتیجه عدم تعهد چنین انسانی، ناگزیر باید به ضمانت‌های اجرایی دیگری از نوع بشری آن همچون حکومت‌ها، دادگاه‌ها و مجامع بین المللی تمسک جست. اما از آنجا که در زیر بنای این ضمانت‌ها نیز اخلاق حضور کم رنگی دارد، باز هم نسبت به ضمانت‌های اجرایی قرآن از ضعف و نقصان برخوردار است (محمدرضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ص ۲۳۵-۲۴۱).

دو: اختلافات محتوایی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

با بررسی محتوایی هر یک از دو منبع حقوقی مورد بحث، چند نکته را یادآوری می‌کنیم:
اول. قرآن در جهت حقوق کودک افراط و تفریط نکرده است؛ بدین معنا که آنچه حق کودک بوده کامل و تمام گفته است و همان‌طور که گفته شد، هر دو جنبه مادی و معنوی حقوق را مطرح کرده است و حتی بیشتر از حقوق مادی به حقوق معنوی و اخلاقی پرداخته است، اما به نظر می‌رسد کنوانسیون در برخی جهات دچار افراط و تفریط‌هایی شده است؛ برای مثال، در بحث تربیت و حقوق معنوی کوتاهی کرده است، و تنها در ماده ۲۸ به حق آموزش و پرورش و در ماده ۲۹ به اهداف تربیتی اشاره‌ای کلی و گذرا کرده است. این دو ماده چنین است:

– ماده ۲۸ (حق آموزش و پرورش):

۱. حکومت‌ها حق آموزش و پرورش را برای کودک به رسمیت می‌شناسند.
 ۲. حکومت‌های عضو پیمان کوشش خود را می‌کنند تا روند آموزش و پرورش در مدارس درخور منزلت انسانی بوده و با محتوای این عهدنامه هم‌خوان باشد.
 ۳. حکومت‌ها از همکاری‌های بین‌المللی در امور آموزشی و پرورشی استقبال کرده و به خصوص هدف ریشه کنی بیسوادی و گسترش فن و دانش را دنبال می‌کنند.
- ماده ۲۹ (اهداف تربیتی):

حکومت‌های عضو پیمان تأیید می‌کنند که تربیت باید:

۱. شخصیت، استعداد و توانایی‌های روانی و جسمی کودک را تقویت و شکوفا نماید.
 ۲. احساس احترام و توجه به حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای مصوب سازمان ملل متحد را در کودک پرورش دهد.
 ۳. نسبت به والدین، هویت فرهنگی و زبان و ارزش‌های ملی سرزمین پدری، ایجاد علاقه و توجه نموده و احترام به فرهنگ دیگر سرزمین‌ها را تقویت کند.
 ۴. کودک را برای زندگی در یک جامعه آزاد بر پایه تفاهم، صلح، تحمل دگراندیشان و دیگرباشان، تساوی حقوق زن و مرد و دوستی خلق‌ها و گروه‌های قومی یا ملی – مذهبی آماده کند.
 ۵. علاقه و توجه به کودک را نسبت به محیط زیست و طبیعت بیشتر کند» (همان، ص ۲۲۶-۲۲۸).
- همچنین در برخی ماده‌ها افراط مشاهده می‌شود؛ مثلاً در ماده ۳ درباره نفع کودک چنین آمده است: «در انجام هر اقدامی که به نوعی به کودک مربوط می‌شود، چه در بخش عمومی، خصوصی، اداری یا هر بخش دیگری، رعایت نفع و تأمین سلامت کودک بر سایر مسایل تقدم دارد» (همان، ص ۲۱۱).

دوم. قرآن نگاه همه جانبه دارد؛ زیرا حق و تکلیف را با هم جمع کرده است؛ یعنی در قبال حقوق کودک، برای او وظایفی هم قائل شده است؛ مثلاً در سوره نور وظایفی را برای کودک در رعایت حقوق والدین مطرح می‌کند؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّنَ الظَّهْرِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

حکیم» (نور / ۵۸-۵۹)؛ (ای کسانی که ایمان آوردید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح، و هنگام نیمروز که لباس‌های (رسمی) خود را فرو می‌نهد، و بعد از نماز عشا، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست؛ که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون رخصت وارد شوند، چراکه) برخی از شما بر (گرد) برخی (دیگر) از شما می‌چرخید؛ اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانای فرزانه است. و هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می‌گرفتند؛ اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است). این در حالی است که در کنوانسیون هیچ بحثی از وظایف کودکان به میان نیامده است.

سوم: در ماده یک کنوانسیون، «کودک» را این‌گونه معرفی می‌نماید: «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود» (محمدرضا سعیدینیا، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰).

بنابر کنوانسیون حقوق کودک، افراد انسانی کمتر از هجده سال، کودک محسوب می‌شوند. این تعریف انتهای کودکی را مشخص نموده، اما به ابتدای کودکی اشاره‌ای ندارد، گویا این مسئله بدیهی است که ابتدای کودکی از زمان تولد انسان است، لکن از نظر قرآن، ابتدای کودکی از لحظه انعقاد نطفه بوده و انتهای آن از ابتدای بلوغ می‌باشد؛ زیرا هر فرد انسانی از لحظه انعقاد نطفه از حقوق خاص برخوردار می‌گردد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. قرآن در مراحل جنینی از کودک با عنوان «انسان» یاد می‌کند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون / ۱۲ و ۱۴) (و به یقین، انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم؛ سپس او را آب اندک سیالی در جایگاه استوار [= رحم] قرار دادیم؛ سپس آب اندک سیال را به صورت [خون بسته] آویزان آفریدیم؛ و [خون بسته] آویزان را به صورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم؛ و گوشت جویده شده را به صورت استخوان‌هایی آفریدیم و بر استخوان‌ها گوشتی پوشانیدیم؛ سپس آن را به صورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است!).

همچنین قرآن در بحث از ارث می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ...»؛ (نساء / ۱۰). این تعبیر نشان از این دارد، که قرآن جنین را هم دارای حقوقی می‌داند؛ به همین سبب فقها نیز به ارث بردن جنین فتوا داده‌اند. در قانون مدنی نیز چنین آمده است: باید برای جنین سهم‌الارث کنار گذاشته شود (ماده ۸۷۵ و ۸۷۸ قانون مدنی) همچنین حق نفقه نیز دارد (ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی). (حسن اسعدی، ۱۳۸۷، ص ۴۱۶).

نکته دیگر اینکه کنوانسیون انتهای کودکی را تمام شدن هجده سال می‌داند (محمدرضا سعیدینیا، ۱۳۸۵، ۲۱۰)، در حالی که قرآن انتهای کودکی را بلوغ می‌داند. «وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَنْذِرُوا كَمَا اسْتَنْذَرْنَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور / ۵۹)؛ (و هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می گرفتند؛ اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می کند، و خدا دانایی فرزانه است).

چهارم: حیات اخروی از مهم ترین حقوق کودک، بلکه مهم ترین حق انسانی است، ولی کنوانسیون بدان نپرداخته است. آیات قرآنی در این زمینه بسیار است. در تمامی این آیات توجه به حیات اخروی و خط فکری صحیح بر عهده والدین نهاده شده و از حقوق کودک شمرده شده است:

۱. «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُهَا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره/ ۱۳۲-۱۳۳)؛ (و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند (و به فرزندان خویش گفتند: «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید. آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم»)).

۲. «يَا بَنِيَّ أَنهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ» (لقمان/ ۱۶) ؛ (پسرم! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمان ها و زمین قرار گیرد، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می آورد. خداوند دقیق و آگاه است)

۳. «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بَنِيَّ أَرَكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ» (هود/ ۴۲) ؛ (و آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوهها حرکت می داد (در این هنگام) نوح فرزندش را که در گوشه ای بود، صدا زد: «پسرم! همراه ما سوار شو، و با کافران مباش،)

۴. «وَإِذْ قَالَ لِقْمَانُ لِبَنِيهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان/ ۱۳) ؛ ((به خاطر بیاور) هنگامی را که لقمان به فرزندش - در حالی که او را موعظه می کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است).

پنجم: قرآن حتی به جزئیات حقوق هم اشاره کرده است؛ نمونه، حق شیرخوارگی و حق اسم برای کودک را به طور مفصل چنین شرح می دهد:

۱. «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ وَّلًا وَلَا سِعْمًا إِلَّا وُسْعَهَا لَا تَضَارُّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنِ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تُسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (بقره/ ۲۳۳)؛ (مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهند. (این) برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته (در مدت شیر دادن بپردازد حتی اگر طلاق گرفته باشد). هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر (به



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد [هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را (زودتر) از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر (با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر) خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست).

۲. «یا زکریا إنا نبشرك بغلم اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سميا» (مریم / ۷)؛ (ای زکریا! ما تو را به فرزندی بشارت می‌دهیم که نامش «یحیی» است و پیش از این، همنامی برای او قرار نداده‌ایم).

۳. «وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران / ۳۶)؛ («من او را مریم نام گذاردم و او و فرزندان او را از (وسوسه‌های) شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می‌دهم).

اما در مقابل، کنوانسیون یا از این جزئیات بسیار مهم یاد نمی‌کند مانند حق شیرخوارگی یا اگر از آن یاد کرده است مانند حق اسم، صرفاً کلی و بدون دادن هرگونه روش و الگو می‌باشد. این در حالی است که اگر کودکان تغذیه نامناسب از بدو تولد نداشته باشند؛ بیماری و سوء تغذیه در چرخه ای معیوب بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند و عواقب جدی به بار می‌آورند (لورا برک، ترجمه یحیی سید محمدی، ۱۴۰۱، ص ۳۸۷).

ماده ۷: هر کودکی از بدو تولد حق داشتن یک نام را دارد که باید در دفاتر مربوطه ثبت شود. همچنین داشتن تابعیت حق اوست و در صورت امکان باید والدین خود را شناخته و از سوی آنها نگهداری شود.

ماده ۸؛ حکومت‌های عضو پیمان موظف هستند که حقوق کودک را رعایت کرده و هویت فردی، تابعیت، نام و روابط شناخته شده خانوادگی او را مطابق قانون حفظ نمایند. (محمد رضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ص ۲۱۲ و ۲۱۳) سه. اختلافات روشی

۱. قرآن ساختارهای مناسب برای تأمین حقوق کودک را نیز پیش‌بینی کرده است، مثلاً در درجه اول خانواده یعنی پدر و مادر (بقره / ۲۳۳)، سپس اطرافیان و دوستان یعنی اجتماع (نساء / ۶) و آنگاه حکومت اسلامی (یوسف / ۲۱) است و بیشترین تأکید قرآن بر روی خانواده است. اما کنوانسیون نسبت به چینه ساختارها از نظر درجه‌بندی و قرار گرفتن در جایگاه مناسب خودش دقت لازم را به کار نگرفته است و بیشترین تأکید آن بر روی دولت‌ها و مجامع بین‌المللی است.

ماده ۴: حکومت‌های عضو پیمان، اقدام‌های ضروری و مناسب قانونی، اداری و غیره را به عمل می‌آورند تا حقوق پذیرفته شده در این عهدنامه را اجرا نمایند. حکومت‌ها برای تحقق مفاد این عهدنامه با توجه به حقوق و اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تا آخرین حد ممکن از تمامی منابع موجود ملی خود و در صورت نیاز بین‌المللی استفاده می‌کنند. (محمد رضا سعیدنیا، ۱۳۸۵، ص ۲۱۱).

۲. برای تأمین حقوق کودک روش‌های متفاوتی وجود دارد. قرآن روش‌های رعایت حقوق را به طور جزیی به شیوه‌های گوناگونی مثل قصه، الگوسازی، مثال‌های عینی و حقیقی، امر و نهی و... بیان کرده است. اینکه چه شیوه‌ای کجا باید به کار گرفته شود و نیز تنوع این شیوه‌ها حسن دیگر و برتری قرآن بر کنوانسیون می‌باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قرآن در لابلای داستان‌های پیامبران الهی همچون ابراهیم، موسی، عیسی، یوسف، سلیمان: و... مباحث حقوق کودک را به صورت غیر مستقیم تذکر می‌دهد و نمونه‌های عملی آن را نشان می‌دهد. همچنین در داستان لقمان و برخی سوره‌های دیگر مانند سوره نور، حقوق کودک را در قالب امر و نهی و نصیحت به شکل مستقیم تذکر می‌دهد (ابومحمد حسن حرانی، ترجمه پرویز اتابکی، ۱۳۷۶، ص ۵۸).

۹. نتیجه‌گیری

قرآن کریم به عنوان قانون برتر الهی، حقوق کودک را به نحو احسن و به بهترین شکل بیان کرده و در روایات و احادیث معصومان که مفسر قرآن هستند هم این جامعیت دیده می‌شود. به طوری که در کلام قرآن و روایات به تک تک مراحل زندگی کودک اشاره شده و حقوقی را برای آن شمرده اند. در قوانین بشری برای این امر مهم، درست است که اقداماتی صورت گرفته اما کافی به نظر نمی‌رسد. از جمله قوانین حقوق کودک، قانونی است که در عرصه بین المللی تصویب شده است و بیشتر کشورهای جهان آن را پذیرفته اند؛ پس از بررسی و تطبیق دو منبع حقوقی در زمینه حقوق کودک، روشن شد که کنوانسیون حقوق کودک در دو امر نسبت به قرآن نقص و کاستی دارد. اول در کمیت حقوقی از این حیث که نسبت به قرآن، حقوق کمتری را برای کودک مطرح کرده است، مخصوصاً در قسمت حقوق معنوی که اهمیت بیشتری نسبت به حقوق مادی دارد. دوم در کیفیت حقوق؛ بدین معنا که سطح ارزشی، روشی و محتوایی آن دچار لغزش‌های فراوان است. قرآن برخلاف قانون بشری آنچنان حقوق کودک را پوشش داده است که هم به طور مستقیم و هم به طور غیر مستقیم وظایف والدین و جامعه را یادآوری می‌کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مراجع

۱. قران کریم، ترجمه الهی قمشه ای، تهران؛ انتشارات طاهری، ۱۳۶۱
۲. ابومحمد حسن حرانی، تحف العقول، پرویز اتابکی، تهران؛ نشر فرزانه روز، ۱۳۷۶
۳. اسعدی، حسن، خانواده و حقوق آن، مشهد؛ انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۷
۴. افروز، غلامعلی، مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی، تهران؛ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
۵. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم؛ بوستان کتاب، ۱۳۸۴
۶. بختیار نصر آبادی، حسنعلی، نگاهی به اصول و راهبردهای تربیت کودک با تأملی بر آیات و روایات، اصفهان؛ دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۸
۷. برک، لورا، روان شناسی رشد، یحیی سید محمدی، جلد اول، تهران؛ انتشارات ارسباران، ۱۴۰۱
۸. بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم؛ دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷
۹. _____، تربیت کودک در جهان امروز، قم؛ بوستان کتاب، ۱۳۷۷
۱۰. رشیدپور، مجید، تربیت کودک از دیدگاه اسلام، تهران؛ سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۸
۱۱. سعید نیا، محمد رضا، مجموعه قوانین اطفال و نوجوانان، تهران؛ حقوقی، ۱۳۸۵
۱۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران؛ رشدیه، ۱۳۷۱
۱۳. عبادی، شیرین، حقوق کودک، تهران؛ کانون، ۱۳۷۵
۱۴. گیلدشتی، محمدرضا، حمایت از محجوری معلولین زندانیان و خانواده آنان در دوران شاهنشاهی، تهران؛ مرکز تحقیقات، ۱۳۵۵
۱۵. لباف، فریبا، حقوق فرزند از نظر قرآن و سنت، تهران؛ زهد، ۱۳۸۵
۱۶. منصور، جهانگیر، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، تهران؛ انتشارات دوران، ۱۳۸۲
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران؛ انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰